



فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هشتم • شماره دوم • تابستان ۱۴۰۴

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 8, No. 2, Summer 2025



مزیت‌سنجی «رویکرد اجتهادی» به مثابه روش تحقیق در اخلاق اسلامی

مصطفی شریفی‌پور*

doi: 10.22034/ethics.2025.51890.1760

چکیده

به‌کارگیری «روش اجتهادی» در دانش اخلاق در قالب‌های متعددی از سوی پژوهشگران پیشنهاد شده است، اما به دلیل ناشناخته بودن یا تشکیک در کارایی این روش علمی در اخلاق، این روش هنوز به رویکرد غالب در این دانش تبدیل نشده است. هدف این تحقیق، شناسایی ظرفیت و مزیت‌های روش اجتهادی در اخلاق اسلامی برای «نظریه‌پردازی» و «مدیریت دانش» (به عنوان یکی از سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله العالی) است. پس از تبیین چیستی «اخلاق» و «روش اجتهادی در اخلاق»، با بهره‌گیری از روش توصیفی و استنباطی، مشخص شد که روش اجتهادی در اخلاق، «هم‌آهنگ با قرآن و سنت»، «جامع‌نگر و عمیق»، «معتبر و دارای حجیت شرعی»، «سازگار با فقه و حقوق»، «اصیل و منعطف»، «دارای ظرفیت حل تعارض»، «عقل‌محور»، «تعیین‌کننده در مطالعات بنیادین» و «ارتقادهنده اخلاق با معیارهای الهی» است. از یافته‌های تحقیق این نتیجه به‌دست آمد که «روش اجتهادی در اخلاق اسلامی» می‌تواند به عنوان «روش معیار» در مطالعات اخلاق اسلامی مورد توجه قرار گیرد و ایده مدیریت کلان دانش را از مسیر مدیریت روش آن میسر سازد.

کلیدواژه‌ها

اخلاق، روش اجتهادی، مدیریت دانش، مدیریت روش، اخلاق اجتهادی.

* پژوهشگر مرکز پژوهش‌های اسلامی معصومیه، دکترای فلسفه اسلامی از دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. | mspoor1363@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

■ شریفی‌پور، مصطفی. (۱۴۰۴). مزیت‌سنجی رویکرد اجتهادی به مثابه روش تحقیق در اخلاق اسلامی. فصلنامه اخلاق پژوهی.

doi: 10.22034/ethics.2025.51890.1760 . ۴۸، ۲۷، (۲۷)۸

۱. طرح مسئله

در طول تاریخ علم اخلاق رویکردهای مختلف «عقلی»، «عرفانی»، «نقلی» و «تلفیقی» برای پژوهش در این دانش معرفی شده و هر یک از این روش‌ها به دلایلی مورد نقد قرار گرفته است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶)؛ از میان نقدها به شیوه‌های سابق تحقیق در اخلاق می‌توان به «مهیجوریت آیات و روایات اخلاقی» (مظاهری سیف، ۱۳۸۳، ص ۳۵)، «اختصاص جایگاه زینتی و غیرالزامی به اخلاق» (هدایتی، ۱۳۹۴، ص ۹)، نحیف بودن دانش اخلاق اسلامی در نگاه پیامدگرایانه رفتارهای اخلاقی (مظاهری سیف، ۱۳۸۶) اشاره کرد. به دلیل عدم شناسایی یک روش تحقیق عام در این زمینه، علم اخلاق اسلامی را با نوعی ابهام روشی مواجه می‌یابیم و با توجه به همین واقعیت، در فراتحلیل منابع اخلاق اسلامی، «روش تحقیق» مسئله دانش اخلاق اسلامی معرفی شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۶۰). از همین رو، متفکران اخلاقی، در اندیشه معرفی یک روش جامع و معتبر بودند که از سویی ریشه در متون اخلاقی اصیل اسلامی داشته و از سوی دیگر، امکان به‌روزرآوری گزاره‌های اخلاقی - منطبق با زمان و مکان - و برقراری ارتباط فعال با جریان‌های اخلاقی معاصر را دارا باشد.

با توجه به مسائل علم اخلاق و ضرورت مدیریت کلان دانش‌های دینی، از سوی برخی اندیشمندان و پژوهشگران، مطالعه «روش اجتهادی» به عنوان یک رویکرد جدید در مطالعات اخلاق دینی، پیشنهاد شد تا ظرفیت این روش علمی برای ارتباط با سنت و نوآوری دینی در خدمت اخلاق اسلامی قرار گیرد. در عین حال، با وجود اقبال برخی پژوهش‌گران پیشرو، کاربست روش اجتهادی در اخلاق با وجود ظرفیت‌ها و مزیت‌های مهم روشی و معرفتی، به دلیل عدم شناسایی ابعاد آن، با چالش‌هایی مانند ناشناخته ماندن و عدم رواج کافی روبه‌رو بوده تا تحوّل مطلوب و اساسی در این دانش با تأخیر مواجه شود؛ امری که موجب شد «عدم شناسایی مزیت‌های روش اجتهادی در دانش اخلاق اسلامی» به عنوان مسئله این تحقیق شناسایی و این نگاشته بر اساس آن هدف‌گذاری شود. بنا بر این، هدف تحقیق حاضر، مطالعه مزیت‌ها و میزان کارایی روش اجتهادی در مطالعات اخلاق اسلامی و «نظریه‌پردازی علمی» و «مدیریت دانش» بر مبنای سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری (مد ظله) در تولید علم (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۴، ص ۱۷۸) بوده و انتظار می‌رود نتیجه آن، اعتنا و فراگیر شدن روش اجتهادی - به عنوان یک روش گسترده، متقن و منعطف برای فهم دین و متن دینی در حوزه دانش اخلاق - و قرارگرفتن به عنوان «روش تحقیق معیار در اخلاق اسلامی» باشد.

پرسش اصلی این تحقیق آن است که به کارگیری روش اجتهادی در علم اخلاق اسلامی، از چه مزیت‌هایی برخوردار است؟ در جغرافیای تحقیق، ابتدا باید به تفاوت «کاربست روش اجتهادی در اخلاق» با «فقه الاخلاق» به عنوان یک باب فقهی در عرض دیگر ابواب فقهی اشاره کرد. به سخن دیگر، هدف تحقیق حاضر، اندراج دانش اخلاق، ذیل دانش فقه - چنان‌که ممکن است از تعبیر برخی پژوهش‌گران استفاده شود - نیست، بلکه مقصود، کاربرست روش اجتهادی - پس از نگاه درجه دو و انتزاعی به آن در دانش فقه - و تطبیق این روش بر یک دانش دینی دیگر، یعنی اخلاق است. از این‌رو، باید این تحقیق را از منظر جغرافیای علمی، یک بحث روش‌شناختی در دانش اخلاق، با رویکرد مزیت‌سنجی روش اجتهادی در آن به‌شمار آورد.

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای، با بهره‌گیری از نگاه درجه دوم به روش اجتهادی فقهی، به کشف انواع مزیت‌ها و قابلیت‌های معرفت‌شناختی، منطقی و کاربردی این سبک علمی در حوزه دانش اخلاق می‌پردازد و از خلال برش‌های تحلیلی نوآورانه، به ابعاد مختلف معرفتی و منطقی روش اجتهادی می‌پردازد.



۲. پیشینه پژوهش

امامان اهل بیت (ع) روش اجتهادی ویژه‌ای را در تولید دانش‌های مختلف دینی توصیه کرده‌اند، اما در طول تاریخ علوم اسلامی، این توصیه‌ها صرفاً به کاربرست در شریعت (دانش فقه) تفسیر شد و در همان فضای علمی توسعه یافت (میرعمادی، ۱۳۸۴). بر همین منوال، روش اجتهادی اهل بیت (ع) در دانش‌هایی مانند اخلاق پیگیری نشد و حتی برخی نگاشته‌های اخلاقی که به روایات اهل بیت (ع) اهتمام داشتند را باید در قالب روش نقلی یا تلفیقی - و نه اجتهادی - به شماره آورد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۲۵۹، ۳۹۵).

پیشنهاد توسعه روش اجتهادی به دانش‌های متعدد دینی، از سوی اندیشمندانی چون مقام معظم رهبری (مد ظله) مطرح شده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹).^۱ آیه الله جوادی آملی نیز به لزوم کاربرست روش اجتهادی در تمامی علوم دینی و از جمله اخلاق، تصریح دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۷۹).^۲

۱. «اجتهاد، مخصوص فقه هم نیست؛ در علوم عقلی، در فلسفه، در کلام، اجتهاد کسانی که فنان این فنون هستند، امر لازمی است».

۲. «معلوم می‌شود آنچه از پیشوایان معصوم (ع) رسیده که «علینا القاء الاصول و علیکم التفرّع» (علامه مجلسی،

بعضی پژوهشگران - به صراحت و تفصیل - سخن از توسعه روش اجتهادی فقهی به دیگر دانش‌های دینی - به معنای اخص یا اعم آن - به میان آورده و آن را تئوریزه کرده‌اند (عابدی شاهرودی، ۱۳۹۴). در همین راستا، فقیه‌ی دیگر ادعا کرده است که روش اجتهادی فقه، همواره به عنوان روش اصلی تولید دانش در علوم دینی مورد استناد بوده و در ادامه نیز باید چنین باشد (سند، ۲۰۲۲، ص ۱۳-۱۴). توصیه به توسعه روش اجتهادی به مطالعات توصیفی دینی را باید یکی از مبانی گسترش روش اجتهادی فقه به دیگر دانش‌های دینی به‌شمار آورد (اعرافی، ۱۳۹۷، ص ۵۰).

در میان پژوهش‌های ارائه شده، کتاب درآمدی بر روش‌شناسی اجتهاد در علم اخلاق اسلامی (همدانی، ۱۴۰۳) - با بیشترین تطبیق نسبت به موضوع و ایده اصلی تحقیق حاضر - شیوه‌های تطبیق روش اجتهادی بر دانش اخلاق را بررسی کرده است. در میان دیگر پژوهش‌ها، تصریح به عنوان «کاربست روش اجتهادی به عنوان روش دانش اخلاق» مشاهده نشد، اما با تمرکز بر مضمون روش اجتهادی در اخلاق، تلاش‌های متعددی را در این زمینه می‌توان شناسایی کرد که می‌تواند سیر توجه به روش اجتهادی در اخلاق اسلامی را نشان دهد:

«فقه اخلاق»، تعبیر رایجی از تلاش بعضی پژوهشگران برای ایجاد یک تغییر در تحقیق‌های اخلاقی بر مبنای فقه است؛ ضرورت توجه به فقه اخلاق (مظاهری سیف، ۱۳۸۳) یا سخن از توسعه فقه به حریم اخلاق (صادقی فدکی و قاضی‌زاده، ۱۳۸۸)، بیان‌گر تمایل محققان به پردازش مسائل اخلاقی با رویکردی خاص بود. نگاشته‌هایی چون «امکان‌سنجی طرح احکام وضعی در اخلاق» (میرصانع، ۱۴۰۲)، «حجیت خبر واحد و کاربرد آن در اثبات گزاره‌های اخلاقی» (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۸؛ داوودی و حبیبی، ۱۳۹۴)، «نقد تسری انگاره فقهی تسامح در ادله سُنن به ارزیابی سند روایات اخلاقی» (همدانی، ۱۳۹۶)، «گونه‌های تراحم در دانش فقه و اخلاق» (نजारادگان، شکوه‌بخش، عالم‌زاده و رحمان ستایش، ۱۳۹۷) و یا «کارکردهای عقل در فقه الاخلاق اسلامی» (غلامرضایی، سلطانی و رجب‌زاده، ۱۴۰۳)، هر یک به گونه‌ای، سخن از کاربرست اجزایی از روش فقهی در دانش اخلاق به میان آورده‌اند.

سخن از همسانی و اتحاد «فقه» و «اخلاق» - ناشی از یکسان‌انگاری اهداف، منابع استدلال و حتی گزاره‌های تجویزی در فقه و اخلاق - بخش دیگری از تلاش‌ها در این زمینه

۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۴۵)، ناظر به اجتهاد در تمام رشته‌های علوم اسلامی است، نه فقط فقه؛ ... لازم است با همان ابزار، برخی از نصوص دینی دیگر که به عنوان ابزار شناخت عالم و آدم صادر شده‌اند مورد بحث و فحص قرار گرفته، ابزار مناسب شناخت مجتهدانه علوم و فنون دیگر تبیین شود و آن‌گاه به نصوص وارده درباره جهان‌بینی، تاریخ و سیره و اخلاق، صنعت و مانند آن پرداخته شود».

است (بکایی، فخلعی و قبولی، ۱۴۰۰، ص ۵۱؛ وینز و فکری فارس، ۲۰۲۳، ص ۳۲۹؛ هدایتی، ۱۳۹۴، ص ۹). دربارهٔ همسانی یا تفاوت فقه و اخلاق، چهار فرضیه شمارش شده (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۳۷۳) و برخی با عدم پذیرش همسانی دو دانش، سخن از تعامل این دو با هم به میان آورده و فایده فی الجمله کاربست روش فقه برای اخلاق را اثبات کرده‌اند (اسلامی، ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد تلاش برای نزدیکی فقه و اخلاق، پس از ادراک برخی اشکالات روشی به دانش اخلاق اسلامی، مانند کم‌توجهی به آیات و روایات اخلاقی در این دانش دینی، صورت گرفته است.

در عین حال، مسیر مورد توجه تحقیق حاضر و برخی پژوهش‌های مورد اشاره که بر تطبیق روش اجتهادی بر دیگر علوم اسلامی تکیه دارند، مسیر دقیق‌تر و واضح‌تری برای توسعه علم اخلاق را ترسیم می‌نماید؛ زیرا مسئله اصلی دانش اخلاق، همسانی کلی یا جزئی آن با فقه مصطلح نیست، بلکه - جدا از اشکالات و سختی‌های تطبیق یک دانش بر دانش دیگر (فقه بر اخلاق) - باید «روش» را مسئله محوری «اخلاق» و برطرف‌کننده مسائل آن دانست؛ به همین جهت، به نظر می‌رسد تلاش‌های علمی منطبق بر اصلاح و تکمیل روش دانش، بر مبنای یک روش جامع و معتبر از منظر عقلایی و شرعی - یعنی روش اجتهادی - راهبرد مؤثرتری برای مدیریت یک علم و حل مسائل آن است.

هرچند تلاش‌های یادشده برای اصلاح روش دانش اخلاق، در مسیر تکاملی صحیحی قرار گرفته‌اند و به صورت ویژه کتاب درآمدی بر روش‌شناسی اجتهاد در علم اخلاق اسلامی» (نک: همدانی، ۱۴۰۳) نقشه راهبری این دانش را بر مبنای روش اجتهادی ترسیم کرده، اما هنوز «روش اجتهادی در اخلاق اسلامی» به عنوان یک روش معتابه و معیار در تحقیق‌های اخلاق اسلامی به جایگاه مناسب خود نرسیده است؛ با توجه به همین نکته، تحقیق حاضر، با مزیت‌سنجی رویکرد اجتهادی در اخلاق، سعی در شناساندن و فراگیر شدن این شیوه علمی دارد.

۳. چپستی اجتهاد در اخلاق

واژه «اجتهاد» به معنای تلاش (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۱۹) و در اصطلاح، یک شیوه خاص علمی است که بیش از همه دانش «فقه»، از آن برای فهم معنای متن دینی و کشف تجویزهای شرعی در حوزه‌های مختلف رفتاری بهره برده است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۳۳۶) همه مذاهب فقهی اسلامی از روش اجتهادی استفاده می‌کنند و در عین حال، در ساحت‌های معرفت‌شناختی و



منطق فهم متن با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند و نگاشته‌هایی دربارهٔ اختلاف مذاهب فقهی اسلامی قابل شمارش است (مغنیه، ۱۴۲۱ق). از این‌رو، این تحقیق، روش اجتهادی مورد قبول در مکتب فقهی تشیع اثنی‌عشری را مبنا قرار می‌دهد. این شیوه علمی فهم سنت، توسط امامان اهل بیت (ع) پایه‌گذاری و ابعاد مختلف آن طی چند سه قرن نخستین حضور معصومان تقی‌شده و در سال‌ها و قرن‌های متمادی توسط فقیهان و عالمان شیعه توسعه یافت (گرجی، ۱۳۷۹؛ میرعمادی، ۱۳۸۴).

روش اجتهادی همزمان با توسعه خود، برخی دانش‌ها مانند «اصول فقه»، «رجال» و «درایه» را تدوین و برخی دانش‌های مورد نیاز دیگر - مانند صرف، نحو، معانی و بیان - را به صورت ضمنی، تقویت کرد. این روش علمی، از منظر معرفت‌شناختی بسیار گسترده بوده و تمامی منابع معرفت که در زمینه فهم متن دینی و کشف حکم الهی دخالت دارند - اعم از منابع عقلی، نقلی و حتی تجربی - را مورد بررسی قرار می‌دهد. روش اجتهادی، افزون بر مصطلحات و قواعد متکثر فقهی و رجالی، در زمینه منطق فهم، صرفاً در علم «اصول فقه»، بیش از سه هزار ابزار فهم متن را تولید کرده است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹).

منطق فهم متن در روش اجتهادی از انعطاف فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ توانایی تفکیک میان گزاره‌های حقیقی و اعتباری و توجه به منطق مستقل هر یک (علامه طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۱۱)، فهم مدرج و منعطف گزاره‌های توصیفی در قالب اشتراط فقد مانع و لزوم وجود مقتضی - با لحاظ شدت و ضعف اقتضای دلیل و تأثیر آن در میزان انگیزش حکم از اباحه تا استحباب و وجوب یا کراهت و حرمت - یا قابلیت تطبیق سرفصل‌های اصولی با نگاه سوژه یا ابژه‌محور به دلیل شرعی - چنان‌که در تغییر چینش مباحث اصولی توسط شیخ انصاری در کتاب فرائد الاصول نسبت به کتاب‌های قبل، قابل مشاهده است - از این ویژگی‌ها بود (شیخ انصاری، ۱۴۱۶ق). برخی دیگر از ویژگی‌های «روش اجتهادی» را می‌توان «نگاه مجموعه‌ای و غیرالتقاطی به نص» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۴۵)، «توانایی نسبت‌سنجی و ارزیابی دو نص یا دو دلیل عقلی و نقلی» (آخوند خراسانی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۳، ۲۴۳، ۴۳۷) و «تبیین انواع روابط میان حکم و موضوع»، مانند: «مسأله مشتق» (موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۲۷۰)، «اسباب الغاء خصوصیت حکم از یک موضوع» (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۲ق، ج ۴، ص ۱۶۰) و «مناسبت میان حکم و موضوع» (نائینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۵۲) برشمرد. انطباق با مبانی کلامی و جهان‌شناسی دینی، بُعد دیگر روش اجتهادی است (هادوی، ۱۳۸۵). می‌توان ادعا کرد که منهج اجتهادی، ابزارهای فراوان و متقنی را در اختیار پژوهشگر اخلاقی برای تطبیق اصول اخلاقی اسلامی در جامعه معاصر قرار خواهد داد.

بنابراین، تحقق اخلاق اجتهادی، امری ممکن و در دسترس است؛ تدوین الگوی پژوهش اجتهادی در اخلاق (همدانی، ۱۴۰۳) و مقالات و نگاشته‌های متعددی که به برخی زوایای تحقیق اجتهادی در اخلاق پرداخته‌اند، مانند: «امکان کاربست خبر واحد» (داوودی و حبیبی، ۱۳۹۴) و «سرانجام قاعده تسامح در ادله سُنن در مسائل اخلاقی» (اسلامی، ۱۳۹۰) و ... - دلایلی بر امکان اخلاق اجتهادی و نشانه‌هایی بر چیرگی این روش علمی هستند. ضمن آنکه نگاه درجه دو و روش‌شناسانه به منهج اجتهادی نیز طی نگاشته‌هایی در دسترس پژوهش‌گران قرار گرفته است (واسطی، ۱۴۰۲؛ علیدوست، ۱۴۰۳).

۴. ویژگی‌ها و مزیت‌های «روش اجتهادی در حوزه اخلاق اسلامی»

بنا به یافته‌های این پژوهش، مزیت‌های «روش اجتهادی در حوزه اخلاق اسلامی» عبارتند از:



۳۳

مزیت‌سنجی (رویکرد اجتهادی) به مثابه روش تحقیق در اخلاق اسلامی

۱.۴. هم‌آهنگی با قرآن و سنت

قرآن و روایات اهل بیت (ع) مشحون از اشارات کلی و جزئی اخلاقی هستند. تکیه بر آیات و روایات اخلاقی در قالب‌هایی مانند اخلاق نقلی و تلفیقی در میان کتب اخلاقی وجود داشته (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵ و ۳۲۷)، اما هیچ‌یک ظرفیت کامل سنت در اخلاق اسلامی را منعکس نکرده‌اند؛ زیرا فحص تام در موضوع خود نداشته و بررسی روش‌مندی ارائه نکرده‌اند؛ در موارد متعددی مانند حل تعارض روایات اخلاقی، نیاز به روش اجتهادی مشهود است (مظاهری سیف، ۱۳۸۳).

مقصود از هم‌آهنگی با روش اجتهادی با قرآن و سنت در دانش اخلاق، صرفاً استناد‌گزینی به چند روایت یا آیه اخلاقی نیست، بلکه مقصود، تدوین «نظام اخلاقی» منطبق بر مبانی کلی سنت اسلامی و همچنین استقصای تمام نصوص مرتبط و نه استناد به برخی از آنها در اثبات هر گزاره اخلاقی است. برخی ویژگی‌های این سبک علمی مانند: «فرایند اصالت‌یابی متن»، «فهم عمیق توصیف و تجویز»، «فهم روابط میان دو یا چند نص» و «حل تعارض مستقر احتمالی میان دو متن دینی» یا «تعارض متن با دیگر منابع معرفت اخلاقی»، از قابلیت‌های روش اجتهادی است که می‌تواند بیشترین همراهی دانش اخلاق با قرآن و سنت را به همراه داشته و از این رهگذر، سرفصل‌های محتوایی و نکات روشی فراوانی را به نظام اخلاقی اسلامی بیافزاید.

۲.۴. فراگیری و ژرف‌نگر

فراگیری: بر خلاف روش‌هایی که منبع خود را منحصر به تجربه یا عقل ابزاری یا نقل صرف کرده‌اند، روش اجتهادی با تأکید بر کاربست داده‌های یقین‌آور و فراگیر عقل و انضمام روش‌های تجربی به عقل و با اعتنای کامل به منبع وحی، گستره وسیعی از منابع معرفت را برای کاوش‌های علمی خود فراهم آورده. تصریح فقیهان به کاربست هر معرفت ضروری در فهم دین، شاهدی قوی بر مدعای فراگیری و جامع‌نگری معرفتی این منهج است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۶).

ژرف‌اندیشی: ابعاد متنوع روش اجتهادی، ظرفیت ژرف‌نگری ویژه‌ای به آن اعطا نموده؛ کاوش‌های دقیق ادبی (صرفی، نحوی و بیانی) و معانی محتمل جملات در قالب معنای «وضعی»، «استعمالی» و «ارادی» و تفکیک معنای «حقیقی» و «مجازی» و مانند آن، فهم دقیق معنای متن را هدف گرفته است.

در عرصه باید و نبایدهای اخلاقی، تفکیک میان ویژگی‌های قضایای حقیقی و اعتباری (علامه طباطبایی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۱) و معرفی گونه‌های متعدد تجویز شرعی در قالب تقسیمات حکم (آخوند خراسانی، ۱۴۱۹ق، ص ۶۱)، دستمایه‌ای قوی برای ارائه تجویزهای متنوع اخلاقی فراهم می‌کند و روشن است هر حکم اخلاقی را نمی‌توان صرفاً به دلیل انطباق لفظی، بر هر موضوعی تطبیق داد؛ روش اجتهادی با مطالعه چندبعدی موضوع، گام‌های متقنی در این زمینه پیموده، همانند: تقسیم موضوع به پیشینی و پسینی (صنقر، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۵۳۸؛ فنایی، ۱۳۸۷، ص ۸۹)، «کیفیت تلبس به مبدأ در مسئله مشتق و نقش آن در استنباط» (موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۲۷۰)، «تفکیک میان عناوین مشیر و عناوین دارای موضوعیت به نحو حیثیت تعلیلیه یا حیثیت تقییدیه» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۴۵)، «توجه به اسباب الغاء خصوصیت حکم از یک موضوع» (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۲ق، ص ۱۶۰: ۴) و یا لحاظ «مناسبت میان حکم و موضوع» (نائینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۵۲). نگاه مجموعه‌ای به نص و تشکیل خانواده حدیثی، جهت پرهیز از جزئی‌نگری در فهم (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۴۵) و سخن از کیفیت جمع‌بندی چند متن در قالب «مطلق و مقید»، «عام و خاص»، «ناسخ و منسوخ» و یا حتی «تعادل و تراجیح» و توجه به ابعاد دیگری چون «تخصص» و «حکومت» و «ورود» متون دینی نسبت به یک‌دیگر برای فهم نسبت میان دو گزاره مختلف (آخوند خراسانی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۱۳)، تنها برخی از ابعاد ژرف‌نگری اجتهادی را به نمایش می‌گذارند.

۳.۴. اعتبار عقلایی و حجیت شرعی

اعتبار گزاره‌های یک دانش از منظر عقلا، منوط به طی فرایندهای خاصی مانند «موثق بودن منبع معرفتی» و «منطق متقن عقلایی» است. در علوم غیر شرعی، تجربه و یا ادله عقلی روشن و قابل فهم برای همه، می‌توانند ویژگی اعتبار عقلایی را کسب نمایند؛ البته، عقل و تجربه (در صورتی که به یقین معرفت‌شناختی ختم شود) در ضمن منابع معرفت دینی پذیرفته شده و در شناخت حکم یا موضوع، استفاده می‌شود (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۳۱۰) علاوه بر این، دانش‌های دینی - به دلیل بهره‌مندی از دلیل نقل در شمار منابع معرفتی خود - نیازمند کسب حجیت شرعی نیز هستند. فرایند منطقی استنباط، تأمین‌کننده اعتبار عقلایی و اعتبار شرعی است و می‌توان در نتیجه آن، یک گزاره را به راحتی به دین (خدا) نسبت داد؛ به همین دلیل است که می‌توان تجویزهایی را بر مکلف منجز نمود (منجزیت) و در قبال خطای احتمالی عذر کافی و قابل قبول داشت (معذرت) (صنقر، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۳)؛ در حالی که برخی دانش‌های دینی با چالش اعتبار و حجیت مواجه هستند؛ زیرا برون‌داد آنها صرفاً یک بررسی التقاطی و جزئی بوده و نتیجه فحص کامل سنت و نسبت‌سنجی گزاره‌های شرعی با دیگر منابع معرفتی نیست؛ به همین علت نمی‌توان آموزه‌های آن را با اطمینان به دین نسبت داد. روش اجتهادی، همزمان با تأکید بر عقل و تجربه در کنار نقل - به عنوان منابع معرفت - و پیمایش فرایند سخت‌گیرانه اجتهادی برای فهم نص، می‌تواند حجیت شرعی و صحت عقلایی انتساب یک دانش به دین را تأمین کند. بنا بر این، در صورت کاربست روش اجتهادی، با اطمینان می‌توان دانش اخلاق را «اخلاق اسلامی» نامید و از حجیت تجویزهای آن دفاع کرد.

۴.۴. سازگار با فقه و حقوق

ناهمخوانی دانش‌های دینی با یک‌دیگر، یک مسئله در مدیریت کلان دانش است و ریشه‌های تاریخی دارد. نمونه‌های متعددی از تقابل فقه و کلام (ابن طاووس، ۱۳۸۸، ص ۵۹-۶۴)، فقه و با فلسفه (غزالی، ۱۹۹۶م، ص ۸۸) و فقه و عرفان (تبریزی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۰۹) گزارش شده است. در دانش اخلاق نیز نقد اخلاق بر فقه (مرتضوی‌راد، راعی دهقی، عباسیان، و نیکیار، ۱۳۹۸، ص ۲۲۸) و بالعکس، نقد فقهی برخی رویکردهای فلسفی یا صوفیانه اخلاق (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۹ و ۲۴۱) مطرح شده. به جهات یادشده، انگاره وجود یک کلان‌روش معیار که ترابط و هم‌افزایی دانش‌های دینی - و نه تعارض و تزاخم آنها - را در راستای اهداف تمدنی، فراهم آورد،



مورد توجه قرار می‌گیرد. با فرض جدایی دو دانش فقه و اخلاق - پس از پذیرش هم‌پوشانی بسیاری از مسائل - کاریست روش اجتهادی در دانش‌های فقه، حقوق و به‌ویژه اخلاق، به دلایل زیر می‌تواند به سازگاری اخلاق با فقه و حقوق کمک کند:

- (الف) منابع معرفتی و منطق استنباطی مشترک؛
- (ب) استفاده از مبانی و اهداف مشترک قرآنی، روایی و عقلانی؛
- (ج) توجه مشترک به مقاصد و اهداف شریعت؛
- (د) تحلیل جامع‌نگر و عمیق اجتهادی.

با لحاظ اصول یادشده و با توجه به محور بودن مصالح و مفاسد کلی در روش اجتهادی فقه - که ملاک توجیه اخلاقی یک رفتار نیز به شمار می‌رود - می‌توان مرزهای اخلاق و فقه را کمرنگ و حتی محو کرد. البته، برخی فقیهان و پژوهشگران به پیوست اخلاقی روش اجتهادی در فقه توجه داشته و به اثبات اخلاقی بودن آموزه‌های فقه در نگاشته‌های مستقلی پرداخته‌اند (صدر، ۱۴۳۳؛ بکایی، فخلعی و قبولی، ۱۴۰۰).

۵.۴. اصیل و منعطف

وصف اصالت دینی هنگامی محقق می‌شود که پژوهشگر اخلاق اسلامی، توانایی تفکیک آموزه‌های ثابت دینی از گزاره‌های منعطف و زمان‌مند را داشته باشد و بر ثوابت سنت اسلامی تأکید ورزد. یک تجویز اخلاقی یا ارزیابی اخلاقی صرفاً باید با لحاظ شرایط فردی، زمانی و مکانی صادر شود تا منصفانه و قابل دفاع باشد؛ تجویزهای کلی اخلاقی - به ویژه در عناوینی که شرایط جدید زمانی و مکانی و حتی فردی، مقتضی و مانع در ملاک اخلاقی را تغییر داده - می‌تواند به یک تجویز ضد اخلاقی تبدیل شود. با توجه به قرابت و همسانی دو دانش اخلاق و فقه در اهداف و ملاکات دینی و اخلاقی، می‌توان از اصول روش اجتهادی برای حفظ بیشترین میزان پای‌بندی به اصول دینی در عین انعطاف‌پذیری اخلاقی بهره برد.

روش اجتهادی با ابزارهای روشی متعددی چون لحاظ اشتراط وجود مقتضی و فقدان مانع از یک‌سو و با ایده سیال بودن درجه تجویزهای شرعی - از استحباب تا وجوب و از کراهت تا حرمت - با توجه به میزان شدت و ضعف مقتضی و مانع برای حکم، انعطاف فوق‌العاده‌ای برای تجویزهای خود قائل شده است. با این وصف، شرایط شخصی و اجتماعی مانند «ضرر»،

«اکراه»، «حرج» و یا «اضطرار» و مصالح و مفسد مورد اعتنای عقلا و شرع نیز به عنوان ملاک‌های فعل اخلاقی و ارزیابی اخلاقی منعطف و قابل تطبیق بر موارد مختلف وارد روش‌شناسی اخلاق خواهد شد؛ ضمن آنکه همین عناوین روشی، تأمین‌کننده اصول اساسی اخلاقی شرع نیز هستند؛ زیرا عناوینی مانند «ضرر» و «اکراه»، به عنوان موضوع ثانوی مطرح شده و حکم اولیه پیش از عروض عناوین ثانویه محفوظ باقی خواهد ماند. ملاک‌های اساسی انسانی و شرعی نیز پیش از هر گونه تخصیص یا عنوان ثانوی دیگر، ناظر به اصول ثابت اخلاقی و اثبات‌کننده آنها هستند.

از میان نکات روشی بیان‌گر انعطاف روش اجتهادی در تطبیق بر عناوین و شرایط مختلف، می‌توان به موضوع‌شناسی و اقسام آن اشاره کرد (صنفور، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص ۵۳۸؛ فنایی، ۱۳۸۷، ص ۸۹). در موضوع‌شناسی پیشینی، تمام شرایط و موانع لازم برای یک حکم، پیش از منجز شدن آن بر مکلف بررسی می‌شود؛ شرایط و موانعی که می‌تواند برای هر شخص و هر زمان یا مکان متفاوت باشد و تجویز مخصوصی برای هر فرد دربرداشته‌باشد. موضوع‌شناسی پسینی - به معنای شناخت دقیق متعلق احکام مختلف - نیز به نحوی می‌تواند بر انطباق عناوین کلی بر مصادیق مختلف نظارت کرده و از تطبیق نابجای یک حکم اخلاقی بر مورد خود جلوگیری کند. بدین ترتیب، روش اجتهادی، با لحاظ ملاکات و اصول اصلی اخلاقی برگرفته از مبانی الهی و عقلی، از بیشترین انعطاف در میان سبک‌های موجود تولید دانش اخلاقی برخوردار است.

۴.۶. دارای ظرفیت حل تعارض

تعارض دو حکم اخلاقی که به دلیل انطباق دو ملاک بر موضوع واحد رخ می‌دهد، معضلی شایع در زندگی تمامی افراد جامعه است. این مسئله به رفتارهای فردی محدود نیست و حتی در عرصه اجتماعی نیز مطرح شده است (بهرامی و فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۱). تعارض باید و نبایدهای اخلاقی با «قانون» یا «حکم فقهی» را باید بُعد دیگری از این مسئله به‌شمار آورد. در تعارض یا تراحم دو ملاک اخلاقی یا اخلاقی با فقهی یا حقوقی، صور متعددی قابل تصویر است که روش اجتهادی می‌تواند به آن پاسخ دهد:

در انواع تعارض غیر مستقر (قابل رفع)، راه‌حلی‌هایی مانند «تخصیص»، «تقیید»، «تخصص»، «ورود» و «حکومت» پیشنهاد شده است؛ به این ترتیب که اگر دو ملاک یا دلیل ابتدائاً با هم ناسازگار بودند، ممکن است پس از بررسی، یکی از دو دلیل بتواند به‌گونه‌ای تغییری



در مضمون اولیه دلیل دیگر ایجاد کند و بالمآل، هردو دلیل درکنارهم یک مضمون مرکب را تشکیل دهند؛ مانند آنکه یک دلیل، در عموم یا اطلاق دلیل دیگر تصرف کرده و نسبت به آن «مخصّص» یا «مقیّد» باشد. در «تخصّص» دلیل دوم، از اساس، دلیل نخست را خارج از محل بحث اعلام می‌کند و در «ورود» یک دلیل، پایه و اساس حضور دلیل دوم را تعبداً منتفی می‌کند. در «حکومت» دلیل دوم، به‌گونه‌ای از لحاظ مفهومی در دلیل نخست توسعه یا تضییق ایجاد می‌کند که محلی برای دلیل دوم نیز وجود داشته باشد. به‌علاوه، در تعارض دو حکم، ممکن است یکی از طرفین ارشادی و دیگری تعبدی تشخیص داده شده و هر یک در موضع مناسب خود قرار گیرند (آخوند خراسانی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۵۳). ابزارهای همگام‌سازی یادشده می‌تواند تأثیر بسزایی در هم‌آوایی اجتماعی در تعارض‌های اخلاقی مختلف ایفا کند.

در تعارض غیر قابل حل (مستقر) که حذف یکی از اطراف گریزناپذیر می‌نماید نیز ملاک‌های متعددی برای شناسایی طرف دارای ترجیح - مانند «هم‌خوانی با کتاب الهی» - معرفی شده و می‌توان از آنها بهره برد؛ افزون بر آن که احتمال‌هایی مانند مخیربودن میان هر یک از دو دلیل و یا توقف و احتیاط در برخی موارد نیز مورد بحث قرار می‌گیرد (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۱۳). احراز اصالت صدور (سند دلیل) یا جهت (مرتبط بودن مضمون دلیل) نیز می‌تواند منجر به حذف یکی از اطراف تعارض شود (عراقی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۵۸).

تعارض به معنای فعلیت یکی از دو حکم مورد مناقشه است، اما اگر هر دو حکم دارای فعلیت و تنجّز باشند؛ مانند آن که شخص از منظر اخلاقی، مکلف به انجام هر دو وظیفه است، اما به دلایلی قادر به انجام هر دو نیست؛ چنین حالتی «تراحم» نام دارد و می‌توان با شناسایی تکلیف مهم‌تر، به آن پرداخت (رضوانی، ۱۳۹۲).

بنابراین، ابزارهای متنوع و متقن روش اجتهادی برای رفع تحیر در تعارض‌های اخلاقی، راه‌گشا و قابل اعتنا بوده و حتی این مزیت روش اجتهادی به صورت ویژه در یک نگاه‌سته نیز بررسی شده است (بوسلیکی، ۱۳۹۱).

۷.۴. عقل‌محور

عقلانیت، ابزار اندیشه، زبان مشترک بشری و میزان جهانی سنجش تفکر است. در دوران مدرن، اخلاق، تحت تأثیر عقلانیت ابزاری قرار گرفت و عقل خودبنیاد منفعت‌طلب، به قضاوت خوب

و بد جهان نشست تا سطح اخلاق را درحد خواهش‌های زیستی تفسیر و بسیاری از سنت‌های شریعت و اخلاق اسلامی را غیراخلاقی معرفی کند (سریخشی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۳). این در حالی است که سنت اسلامی، ضمن تأیید اعتبار عقل، عقل قدسی (پارسانیا، ۱۳۹۵، ص ۱۹) و یقین‌آور (شیخ انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴) را مورد تأکید قرار داده و اساساً، روش اخلاقی عقلی (فلسفی) یکی از روش‌های قدیمی تولید دانش اخلاق در تمدن اسلامی بوده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶-۶۱). عقلانیت در سنت اسلامی، ضمن بهره‌مندی از اصالت معرفت‌شناختی (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۰)، ابزار بندگی و طی مراتب کمال معرفتی و از آشبه خود، متمایز گردیده (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۱)، به همین دلیل، روش اجتهادی، عقل را هم‌زمان به عنوان «منبع» و «ابزار» مورد توجه گسترده قرار داد؛ تا حدی که باید عقل را راهبر مراحل متعدد اجتهاد به‌شمار آورد (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۳۰۸). نقش عقل در اخلاق اجتهادی را می‌توان در این عرصه‌ها ترسیم کرد:

۱. درک مبانی، علل و حکم قضایای اخلاقی؛

۲. آسیب‌زدایی از خطاهای معرفت اخلاقی؛

۳. تشخیص صغریات و مصادیق قضایای اخلاقی؛

۴. تعیین حکم اخلاقی در موارد خلأ حکم؛

۵. قاعده‌سازی برای کشف حکم اخلاقی؛

۶. تأثیر در حکم گزاره‌های اخلاقی؛

۷. مشارکت در تنظیم و نظام‌مندی علم اخلاق (غلامرضایی، سلطانی و رجب‌زاده، ۱۴۰۳).

این سطح از اعتنا به عقلانیت در سنت اسلامی و بهره‌گیری عالمان از آن در منطق فهم دین، سبب باورپذیری و قبول‌پذیری حداکثری آن و قابل دفاع بودن در برابر دیگر گفتمان‌های علمی شده و روایی و جهانی شدن اخلاق اسلامی بر مبنای روش اجتهادی را تسهیل می‌نماید.

۸. تعیین‌کننده در مطالعات بنیادین

فلسفه اخلاق، دارای مسائل متعددی است که نیازمند اتقان بیشتری هستند؛ مانند «شناخت حُسن و قُبُح» و «حقیقی یا اعتباری بودن آن»، «توصیفی یا دستوری بودن گزاره‌های اخلاقی»، «استدلال‌پذیر بودن فعل اخلاقی»، «نسبی یا مطلق بودن اخلاق»، «چیستی ظلم و عدالت»،



«جایگاه نیت در فعل اخلاقی» و «ریشه حکم اخلاقی» (نک: ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۹) درباره مبانی دانش اخلاق، هنوز هم میان اندیشمندان مباحث جدّی وجود دارد؛ برای نمونه، هریک از فرضیه‌های حقیقی یا اعتباری بودن حُسن و قُبَح اخلاقی، طرفدارانی در میان اندیشمندان اسلامی دارند و بسیاری از اصول بنیادین اخلاق اسلامی، هنوز به نقطه ثبات و اتقان مطلوب نرسیده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص ۳۳). برای وصول به این مقصد، بهره‌گیری از دستگاه‌های منطقی دیگری، غیر از منهج فلسفی که بر قضایای حقیقی و غیر اعتباری متمرکز شده، مفید می‌نماید؛ به‌ویژه آن که قضایای تجویزی یا باید و نبایدهای اخلاقی، از سنخ قضایای عقل عملی و احتمالاً اعتباری هستند و نیاز به یک سیستم تحلیل قضایای اعتباری در کنار منطق تحلیل فلسفی احساس می‌شود. روش اجتهادی، ضمن توانایی غور عمیق در سنت، از ابزارهای منطقی متکثر و قابل اعتنائی بهره می‌برد که یکی از این جنبه‌ها، توانایی تفکیک میان قضایای حقیقی و اعتباری و ارزیابی هر یک بر مبنای منطق مختص به آن است. برای نمونه:

الف) درباره ماهیت حسن و قبح (صنفور، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص ۳۶-۲۷؛ خالد رمضان، ۱۴۱۸، ص ۱۰۷) و حقیقی یا اعتباری بودن آن، مباحث عمیق و متعددی در اصول فقه مطرح گردیده و در مواضع فراوانی به آن استناد شده است (علامه طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۱؛ صدر، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵۵۲).

ب) عدالت و ظلم نیز از مسائل مهم اخلاق هستند و در منهج اجتهادی، ظلم و عدل دارای ارتباط وثیقی با حُسن و قُبَح اخلاقی معرفی و حتی مشهور اصولیان معتقدند: حُسنِ عدل و قبحِ ظلم رابطه ذاتی و ناگسستگی با هم دارند و حُسن تمامی امور محسنه به عدل و قبح تمامی امور قبیحه به ظلم بازمی‌گردد (شاهرودی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۱).

ج) در روش اجتهادی، الگوهای متفاوتی برای بررسی «نیت» ارائه گردیده؛ در این روش، تکالیف شرعی به دو دسته تعبدی و توصلی تقسیم شده‌اند؛ دسته نخست منوط به نیت تقرب الهی‌اند و دسته دوم غیر وابسته به آن (آخوند خراسانی، ۱۴۱۹ ق، ص ۷۲). چنانکه منهج اجتهادی در یک تقسیم عام و کلی، کلیه رفتارهای انسان را در دو دسته عناوین قصدی و انطباقی تعریف کرده است؛ در عناوین قصدی، تحقق فعل، منوط به قاصد بودن فاعل بوده و تا او قصدی نداشته باشد، صدور فعل به او منتسب نمی‌شود؛ مانند: نماز که تا قصد انجام عبادت الهی را ننماید، در حقیقت، فعل «صلاة» از او صادر نشده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۴۶۷)؛ در مقابل، عناوین انطباقی قرار دارند که در صورت انجام، حتی با قصد خلاف نیز فعل به او منتسب می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۴۱۰). در مسئله ثواب و عقاب نیز در مبحث «تجری» (انجام یک

فعل غیر محرم با اعتقاد به حرام بودن آن). از استحقاق یا عدم استحقاق عقاب، به تبع قصد معصیت الهی، سخن به میان آمده و حُسن و قُبْح فعلی و فاعلی از هم تفکیک شده است (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۶۸). در سنت و روایات اخلاقی دینی، تصریح شده که نیت، مساوق با عمل است و نیت یک عمل خیر، پاداش انجام آن از سوی خداوند را دربر دارد (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۸۶)؛ همچنین می‌توان و شایسته است تمامی اعمال و رفتارهای اختیاری را با نیت شایسته انجام داد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۶، ص ۱۹۱)؛ علت خلود در بهشت و جهنم اُخروی نیز نیت انسان‌ها بر ادامه مسیر خوب یا بد خود، تفسیر شده است (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۵). با ابعاد روایی توصیف شده و ابزارهای فنی روشی در بررسی نیت، می‌توان دست برتر روش اجتهادی در بررسی نقش نیت در فعل اخلاقی را متصور شد.

در نتیجه، روش اجتهادی تلاش‌های عمیقی در برخی مبانی مرتبط با فلسفه اخلاق انجام داده که به دلیل قرابت و هم‌پوشانی فراوان فقه و اخلاق، می‌توان در تقویت مبانی اخلاق اسلامی (فلسفه اخلاق اسلامی) از آن بهره برد.



۹.۴. ارتقای اخلاق تا معیارهای الهی

تفسیر خوب و بد در اخلاق با توجه به ملاک‌های اخلاقی مشخصی صورت می‌پذیرد، اما می‌توان این ملاک‌ها را با توجه به رویکردهای مختلف هستی‌شناسی در لایه‌های متعددی رده‌بندی کرد: در نازل‌ترین سطح باید به برخی رویکردهای اخلاق سکولار اشاره کرد که ملاک ارزیابی خود را بهره‌مندی از تمتعات جسمی و روانی مرتبط با حفظ حیات حیوانی و نباتی تعریف کرده است (جباران، ۱۳۹۷، ص ۹۰). در رده بالاتر می‌توان به دخالت معیارهای عقلی - فلسفی در تفسیر معیارهای اخلاقی اشاره کرد، اما این رده با چالش تنوع و مدرج بودن تفسیرهای عقلانی از خوب و بد مواجه است؛ زیرا از عقل ابزاری تا عقل قدسی، همگی تحت عنوان عقلانیت، به تبیین چیستی و بایستگی در جهان می‌پردازند (پارسایان، ۱۳۹۵، ص ۱۹). عقل قدسی الهام گرفته از وحی، همان «عقل اول» است که از بیشترین انطباق با واقعیت‌ها هستی بهره برده و با توجه به احاطه آن بر مصالح و مفاسد واقعی جهان، تجویزهای اخلاقی خود ارائه می‌دهد و در قالب شریعت بیان شده است؛ دستوراتی که گاهی عقل بشر توانایی وصول به ملاک‌های آن را ندارد، اما در عین حال، به دلیل علم به نشأت گرفتن این تجویزها از ملاک‌های ناظر به مصالح و مفاسد حقیقی، حقانیت و مشروعیت آن را تصدیق می‌نماید. بدین ترتیب، اخلاق اجتهادی - که

بیشترین تطبیق با آموزه‌های سنت را دارا است - مراتب والتری از ملاک‌ها و دستورهای اخلاقی را در مقایسه با اخلاق سکولار یا حتی اخلاق فلسفی به بشریت تقدیم می‌نماید.

تأثیر علمی سبک اجتهادی در اخلاق، قرار گرفتن فرایند فهم و تولید گزاره اخلاقی در مسیر تعبد به آموزه‌های الهی و نفی هر الگوی فکری و رفتاری معارض با آن است که به معنای نفی برخی مسایل رایج در میان جوامع و تعریف سطح بالاتری از هنجارهای اخلاقی فردی و اجتماعی تفسیر می‌شود؛ برای نمونه، رباخواری در صدر اسلام، رفتاری رایج در برخی جوامع بود، اما دین - با نفی جدی و مقابله با چنین سبک زندگی - این موارد را به عنوان عملی غیر اخلاقی و ممنوع تعریف کرد و هنجارهای فردی و اجتماعی در این زمینه را تغییر داد.

همان گونه که در جنبه اثباتی، رفتارهایی مانند تقید به واجبات و مستحبات شرعی را نیز به عنوان ملاک‌هایی مهم در اخلاق، مطرح کرد و سطوح جدیدی از اخلاق را معرفی کرد. در نتیجه، اخلاق اجتهادی، با نفی ورد رفتارهایی که در تضاد آشکار با شریعت الهی هستند (در جنبه سلبی) و توصیه به بسیاری رفتارهای تعبدی جدید در کنار تأکید بر اصول عقلایی، فرایند ارتقای اخلاق سکولار و حتی اخلاق فلسفی را به اخلاق الهی، مدیریت می‌نماید.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

«روش اجتهادی» به عنوان یکی از روش‌های تحقیق در اخلاق اسلامی، مطرح و از سوی بسیاری از پژوهشگران و فقیهان پیشنهاد شده است. ناشناخته‌بودن مزیت‌های متعدد این روش در علم اخلاق، مسئله این تحقیق بود. این تحقیق بنیادین با هدف شناساندن مزیت‌های روش اجتهادی و مدیریت کلان دانش دینی (از جمله سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری مد ظله) و با روش توصیفی و استنباطی به انجام رسید. این تحقیق، پس از تبیین یک تعریف جامع از «اخلاق» و مرزبندی با «فقه»، به چستی «اجتهاد» و برخی ابعاد آن و امکان تحقق روش اجتهادی در اخلاق اسلامی پرداخت. از خلال این تحقیق، نتایج ذیل به دست آمد:

اخلاق در روش اجتهادی به دلیل اشتراط استقصای تام کتاب و سنت، همراهی حداکثری با سنت (قرآن و حدیث) خواهد داشت؛ چنانکه این روش، گسترده‌ترین روش تحقیق در اخلاق، از منظر منابع معرفت به‌شمار رفته و هر آنچه در فهم گزاره اخلاقی ضرورت داشته باشد را مورد توجه قرار می‌دهد. از سوی دیگر، به دلایلی مانند کاوش‌های ادبی عمیق، تفکیک میان قضایای اعتباری و حقیقی، بهره‌گیری از صدها ابزار منطقی فهم، موضوع‌شناسی پیشینی و پسینی، لحاظ

مناسبات میان حکم و موضوع، پرهیز از جزئی‌نگری و قابلیت اقسام جمع میان محتوای دو یا چند دلیل و ...، از توانایی رسیدن به عمق مفهومی قابل توجهی برخوردار است.

این روش علمی، کلیه فرایندهای خود را با استفاده از عقل منطقی ساماندهی می‌نماید و به همین دلیل، اعتبار عقلایی را به همراه آورده، ضمن آنکه با اشتراط فحص کامل «سنت» و مدلول‌کاوی عمیق آن، حجیت شرعی را نیز کسب می‌کند؛ امتیازی که در دیگر روش‌های علمی نمی‌توان به آن دست یافت. به علاوه، با توجه به آنکه دانش «فقه» نیز روش اجتهادی را مد نظر قرار داده، بهره‌گیری از این روش در دانش «اخلاق»، می‌تواند به ناهمخوانی این دو دانش دینی در بسیاری از گزاره‌ها پایان دهد؛ چنانکه نسبت به دانش «حقوق اسلامی» نیز که تحت تأثیر فقه، تنظیم شده نیز شاهد هم‌نوایی حداکثری با اخلاق خواهیم بود. البته، اگر «روش اجتهادی» به عنوان یک روش معیار در دیگر دانش‌های دینی نیز مورد وجه قرارگیرد، چنین نتایجی را به بار خواهد آورد و تعارض میان اخلاق و دیگر دانش‌ها مدیریت خواهد شد.



۴۳

مرکز سنجی «رویکرد اجتهادی» به مثابه روش تحقیق در اخلاق اسلامی

روش اجتهادی ابزارهای متعددی جهت شناسایی ثوابت دینی از آموزه‌های متغیر، طراحی کرده و همواره بر اصول ثابت قرآنی و روایی تأکید دارد. بهره‌مندی اخلاق اسلامی از توانایی تمیز در زمینه ثابت و متغیر، تضمین‌کننده اصالت دینی آن خواهد بود. افزون بر خصوصیت تبعدی یا غیرتبعدی بودن در شناخت ثابت و متغیر، ابزارهای متعدد دیگری در روش اجتهادی، تأمین‌کننده انعطاف این روش است.

تعارض میان ادله تولیدکننده گزاره اخلاقی و حتی تضادهای عینی هنگام انجام فعل اخلاقی، چالش‌هایی رایج در حوزه اخلاق هستند. در این زمینه، ابزارهای دفع یا رفع تعارض در روش اجتهادی - که علاوه بر «تزامم»، بر دو دسته «تعارض غیرمستقر» و «تعارض مستقر» تمرکز نموده، قابل توجه است. رویکرد روش اجتهادی در زمینه تعارض غیرمستقر، قاعده جمع حداکثری (الجمع مهما أمکن) و در عرصه تعارض مستقر، یکی از رویکردهای «توقف»، «تخیر» و یا حذف دلیل ضعیف بود. ظرفیت مواجهه با انواع تعارض‌ها در این منهج، نقش مهمی در پیش‌گیری از تضاد میان اخلاق و دیگر دانش‌ها و یا هم‌آوری منابع مختلف معرفتی - اعم از تجربی و عقلی و نقلی - ذیل یک دانش دارد. انگاره «تزامم» و ملاک‌های شناسایی اهم، نقش مهمی در رفع حیرت در مقام ایفای وظیفه اخلاقی به عهده دارد.

روش اجتهادی عقل‌محور است، یعنی از آن هم به عنوان منبع معرفت و هم به عنوان راهبر منطقی فرایند استنباط بهره می‌گیرد. اگر این ویژگی روشی مورد تصریح و تأکید قرار گیرد، اخلاق

اسلامی به عنوان یک دانش همه‌فهم، قابل دفاع، با قابلیت تعامل و نقد دیگر گفتمان‌های علمی اخلاقی، معرفی خواهد شد.

بسیاری از مطالعات بنیادین، نه در اخلاق اسلامی و نه در اخلاق مدرن، به نتایج اطمینان‌بخش و ثابتی نرسیده، درحالی که با بهره‌مندی از ظرفیت‌های متعدد روش اجتهادی - مانند استنتاج نص دینی، تفکیک میان گزاره‌های حقیقی و اعتباری و تفصیل گسترده‌ای که نسبت به برخی سرفصل‌های اساسی اخلاقی مانند «نیت» و ... مطرح شده - می‌توان مباحث بنیادین اخلاق را چندین گام به نقطه مطلوب نزدیک کرد. در نهایت، روش اجتهادی به دلایل مختلفی مانند تأثیرپذیری ویژه از قرآن و حدیث و ارتباط وثیق با اهداف دین، شریعت و مبانی کلامی بالادستی، می‌تواند دانش اخلاق را از سطوح اخلاق زیستی و دنیاگرایانه و حتی عقلایی، به مراتب راقی الهی، تعالی بخشیده و هدف علم اخلاق را همگام با هدف الهی خلقت، یعنی سعادت دنیوی در راستای سعادت اخروی، ترسیم و محقق کند.

این پژوهش در یک نگاه درجه دو، به ابعاد معرفی نشده‌ای از روش اجتهادی پرداخت. نگاهی به نتایج و پیامدهای کاربست روش غنی اجتهادی در دانش اخلاق، نشان از امکان تحوّل قابل توجه در این دانش دارد. دسترسی عمیق به مسائل اخلاق و ارائه تفسیرهای جدید، پاسخ‌گویی به مسائل جدید و ظرفیت حل تعارض‌های اخلاقی در زندگی روزمره، از مزیت‌های روش اجتهادی بود. چنان که اطلاع و احاطه سیاست‌وزران جامعه از این اصول، می‌تواند به بهبود مدیریت اجتماعی در حوزه اخلاق کاربردی و حل تعارض‌های سیاسی اجتماعی، یاری رساند و راهنمایی‌های تأثیرگذاری به افراد و جامعه ارائه دهد. این روش تحقیق، افق‌های جدیدی به پژوهش‌گران حوزه اخلاق و تربیت ارائه می‌نماید و وصول به جایگاه واقعی اخلاق را به یک چشم‌انداز واقعی تبدیل خواهد کرد.

طرح «روش اجتهادی» در علم اخلاق، بخشی از یک راهبرد بزرگ‌تر در حوزه مدیریت کلان دانش‌های دینی - مبنی بر تأکید بر روش اجتهادی به عنوان «روش معیار در دانش‌های دینی» - است که طی آن، با ارائه و معرفی یک کلان‌روش در مطلق علم دینی اسلامی، بستر ایجاد زبان مشترک میان اندیشمندان در سه عرصه «درون‌مذهبی»، «درون‌دینی» و «معرفی روش اسلامی و پارادایم دانش اسلامی در جهان» - در کنار دیگر روش‌ها و پارادایم‌های دانش - فراهم می‌آید. طی این طرح، بسیاری از اختلافات قابل حل میان دانش‌های مختلف دینی، مبنا و بستر خود را از دست داده و زمینه برای تشریک مساعی اندیشمندان اسلامی برای نگاه‌های تمدنی - و نه

جزیره‌ای و بخشی - به دانش و ورود به عرصه‌های مغفول، در دسترس قرار می‌گیرد. به تعبیر دیگر، ایده مطرح در این مقاله و مقالات همسو، «مدیریت کلان دانش دینی» در بستر و فرایند «مدیریت روش دانش» بوده است.

فهرست منابع

✽ قرآن کریم.

- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۸۸). کشف المحجبة لثمرة المحجة. قم: بوستان کتاب.
- ابن اثیر، مبارک. (۱۳۶۷). النهاية في غريب الحديث و الأثر. قم: اسماعیلیان.
- ادواردز، پل؛ بورچرت، دونالد. (۱۳۹۹). دانشنامه فلسفه اخلاق. (ترجمه: انشاء الله رحمتی و مصطفی ملکیان)، تهران: سوفیا.
- ارسطو. (بی تا). علم الأخلاق إلى نیقوماخوس. (ترجمه: سید احمد لطفی)، بیروت: دارصادر.
- اسلامی، محمد تقی. (۱۳۹۰). اخلاق اسلامی و کاربست قاعده تسامح در ادله سنن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۷). درآمدی بر تفسیر تربیتی. قم: اشراق و عرفان.
- انصاری، محمدعلی. (۱۴۱۵). الموسوعة الفقهية الميسرة. قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۶ق). فرائد الاصول. قم: جامعه مدرسين.
- بکایی، منصوره؛ فخلعی، محمد تقی؛ و قبولی، سید محمدهادی. (۱۴۰۰). آمیختگی فقه و اخلاق در گزاره‌های فقهی باب معاملات. اخلاق پژوهی، ۴ (۲)، ۷۹-۵۱. <https://doi.org/10.22034/ethics>. 2022. 49834. 1450
- بوسلیکی، حسن. (۱۳۹۱). بازخوانی ظرفیت‌های اصول فقه در حل تعارضات اخلاقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بهرامی، محسن؛ فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۱). تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۵ (۲)، ۴۰-۲۹.
- پارسانیا، حمید. (۱۳۹۵). روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی، قم: فردا.
- تبریزی، جواد. (۱۴۲۹ق). تنقیح مبانی العروة. قم: دار الصدیقة الشهيدة (ع).
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۶). کتابشناخت اخلاق اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه. قم: اسراء.



- خالد رمضان، حسن. (۱۴۱۸). معجم اصول الفقه. القاهرة: مكتبة المندني.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۹، ۲۹ مهر). بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=10357%D9%88nt=2%D9%88year=1389%D9%88tid=1008>
- خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۱۹ق). کفایة الاصول. قم: آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- داوودی، محمد؛ حبیبی، رضا. (۱۳۹۴). حجّیت خبر واحد و کاربرد آن در استنباط نظام اخلاقی. پژوهش‌نامه اخلاق، ۸ (۲۷)، ۶۶-۴۹.
- دیباچی، سید محمدعلی؛ آسیه حاجی، محمد جعفر. (۱۳۹۷). آگوی فربه؛ تفسیر مرداک از تصویر انسان در اخلاق مدرن. فلسفه دین، ۱۵ (۳)، ۶۲۴-۶۰۷. <https://doi.org/10.22059/jpht.2018.250398.1005535>
- رضوانی، علی. (۱۳۹۲). شاخص‌های تقدیم اهم بر مهم در تراحم‌های اخلاقی. معرفت اخلاقی، ۴ (۱)، ۱۸۵.
- زرگر، زهرا. (۱۳۹۵). پاسخ‌گویی اخلاق اسلامی به چالش‌های اخلاقی برآمده از تکنولوژی مدرن. راهبرد فرهنگ، ۹ (۳۴)، ۱۱۳-۹۱.
- سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳). مذهب الاحکام. قم: سید عبدالاعلی السبزواری.
- سراوانی، حسین؛ عزتی رستگار، منیژه؛ گلشنی خادم، زهرا؛ پوربهرام، رضا. (۱۳۹۷). اخلاق مدرن، فرهنگ اسلامی و ارتباطات در دنیای مجازی. فصلنامه بین المللی میان رشته‌ای، ۶ (۱۸)، ۷۳-۵۵.
- سربخشی، محمد. (۱۳۸۸). اخلاق سکولار، مفاهیم، مبانی، ادله، نقدها. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- سند، محمد. (۲۰۲۲). مناهج صناعة الاستنباط الديني. دارالمحجة البيضاء للنشر.
- شاهرودی، علی. (۱۴۱۹). دراسات فی علم الاصول (تقریر سید ابوالقاسم موسوی خویی)، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- صادقی فدکی، سید جعفر؛ قاضی‌زاده، کاظم. (۱۳۸۸). پژوهشی در «ضرورت توسعه فقه به حریم اخلاق». قیسات، ۱۴ (۵۳)، ۱۱۲-۸۹.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۸ق). مباحث الاصول. (س. حائری). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الاصول. (مصحح: حسن عبدالساتر). بیروت: الدار الاسلامیة.
- صدر، سید محمد صادق. (۱۴۳۳ق). فقه الاخلاق. نجف اشرف: هیئة تراث السید الشهدید الصدر (ره).
- صنقور، محمد. (۱۴۲۸ق). المعجم الاصولی. قم: منشورات الطیار.
- طباطبایی، سید محمدحسین (علامه طباطبایی). (۱۴۰۱). الحاشیة علی کفایة الاصول. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی (ره).
- طباطبایی، سید محمدحسین (علامه طباطبایی). (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات

اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۳). مجمع البحرين (مصحح: احمد حسینی اشکوری). تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد. (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عابدی شاهرودی، علی. (۱۳۹۴). سنجش و اکتشاف. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- عالمزاده نوری، محمد. (۱۳۹۸). حجّت خبر واحد در اثبات گزاره اخلاقی. اخلاق و حیانی، ۹۵-۷۱.
- عبدالرحمن، طه. (۲۰۰۶). سؤال الاخلاق. بیروت: مرکز الثقافی العربی.
- عراقی، ضیاءالدین. (۱۴۱۷). نهاية الافکار، قم: جماعة المدرسین.
- علیدوست، ابوالقاسم. (۱۴۰۳). روش شناسی اجتهاد، مطالعه مکاتب اجتهادی معاصر. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- غزالی، محمد. (۱۹۹۶م). تهافت الفلاسفة (تحقیق: سلیمان دنیا)، قاهرة: دارالمعارف.
- غلامرضایی، جواد؛ سلطانی، سیده زینب؛ رجبزاده، علی. (۱۴۰۳). کارکردهای عقل در فقه الاخلاق اسلامی. تأملات اخلاقی، ۵ (۱۷)، ۷۱-۵۳. <https://doi.org/10.30470/er.2024.1987926.1188>.
- فناپی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). جایگاه موضوع شناسی در اجتهاد. نقد و نظر.
- فیض کاشانی، محمد. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع) العامة.
- کانت، امانوئل. (۱۳۹۴). بنیاد مابعد الطبیعه اخلاق (ترجمه: حمید عنایت و علی قیصری)، تهران: خوارزمی.
- کلینی، محمد. (۱۳۸۷). کافی. قم: دارالحديث.
- گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). تاریخ فقه و فقهها. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۹۴). سیاست های کلی، ابلاغیه مقام معظم رهبری تا پایان ۱۳۹۳. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیرخانه.
- محمودی، مسلم. (۱۳۸۶). دین و اخلاق در جامعه گرایی دورکیم و نقد آن. اندیشه دینی، ۲۰-۱.
- محمودی، مسلم. (۱۳۹۵). تمایز و وابستگی راهکاری منطقی در گفت وگویی فقه و اخلاق. پژوهش های فقهی، ۳۸۸-۳۶۸.
- مرتضوی راد، سید حسن؛ راعی دهقی، مسعود؛ عباسیان، رضا؛ نیکیار، حمیدرضا (۱۳۹۸). تأملی اخلاقی بر ادله فقهی مخالفان اقدامات ژنتیکی. پژوهش های اخلاقی، ۲۳۶-۲۲۳.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه. قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۹). فلسفه اخلاق. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).



- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۸۳). جای خالی فقه الاخلاق. کتاب نقد، ۹ (۳۳)، ۵۴-۲۶.
- مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۸۶). نگاه پیامدگرایانه به نظام اخلاق اسلامی. کتاب نقد، ۱۲ (۴۴)، ۸۴-۴۹.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۱ق). الفقه علی المذاهب الخمسة. بیروت: دارالتیاز.
- میرصانع، سید محمدباقر. (۱۴۰۲). امکان‌سنجی طرح احکام وضعی در اخلاق. پژوهش‌نامه اخلاق، ۲۸۷.
- میرعمادی، سید احمد. (۱۳۸۴). ائمه علیهم السلام و علم اصول. قم: بوستان کتاب.
- نجم‌زادگان، فتح‌الله؛ شکوه‌بخش، محسن؛ عالم‌زاده، محمد؛ و رحمان ستایش، کاظم (۱۳۹۷). تحلیل گونه‌های تراحم در دانش فقه و اخلاق با تأکید بر تراحم اهتمامی (اشتغالی) در حوزه اخلاق. اخلاق و حیانی، ۸ (۲)، ۷۳-۴۹. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23833025.1397.8.2.4.8>
- نصیری، منصور (۱۳۸۷). نگاهی به نظریه رشد اخلاقی کالبرگ. معرفت، ۱۷ (۱۳۲)، ۱۲۵-۱۳۴.
- واسطی، عبدالحمید. (۱۴۰۲). الگوریتم اجتهاد (ج ۱). قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- وینز، کمال و فکری فارس ولید. (۲۰۲۳). الفقه و المقاصد و الأخلاق. التجدید (مالزی)، ۲۷ (۵۴)، <https://doi.org/10.31436/attajdid.v27i54.1015.346-323>
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۳۲ق). موسوعة الفقه الاسلامی المقارن. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- هدایتی، محمد. (۱۳۹۴). تأثیر جدایی فقه و اخلاق در ضعف فرهنگ اخلاقی در تمدن اسلامی. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۶ (۲۰)، ۲۸۷.
- همدانی، مصطفی. (۱۳۹۶). نقد تسری انگاره فقهی «تسامح در ادله سنن» به ارزیابی سند روایات اخلاقی. پژوهش‌نامه اخلاق، ۲۸ (۷)، ۲۸۷.
- همدانی، مصطفی. (۱۴۰۳). درآمدی بر روش‌شناسی اجتهاد در علم اخلاق اسلامی. تهران: سمت.